



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۲۱

دوکتور محمد عثمان تره کی

## تبصره بر اعلامیه سایت آریانا - افغانستان

امتنان از ابراز نظر سایت آریانا - افغانستان پیرامون مضمون « په ارغنداب کې د حکومتی سرتیرو نوي جنګي جنایت ».

آرزو ندارم خود را درگیر مناقشات دیرینه مطبوعاتی و مدیاتیکی میان دو سایت انترنتی آریانا - افغانستان و افغان - جرمن کنم. میخواهم آنچه بصورت اخص ارتباط به مضمون اینجانب میگیرد با عرض چند نکته مزید سایت آریانا - افغانستان را از برداشت غلط و منفی از محتویات مقاله خود متوجه بسازم.

سایت آریانا - افغانستان در جایی مینویسد که :

۱- « اگر اداره آریانا افغانستان آنلاين ضمن تذکری نظریات روستار تره کی را تحسین و آن را تائید می کرد، جا داشت که بر ما اتهام طالب پروری، آی اس آی پرستی و پاکستان دوستی وارد می شد.»

در مقاله تره کی در دفاع از حق زندگی مردم ملکی دفاع شده است. در آن کلمه نی در توصیف از قربانی های طالب بر ضد تجاوز و اشغال و یا طرفداری از پاکستان ( که به حق عامل بسا جنجال ها در کشور شناخته شده است ) نیامده است.

کوبیدن تاپه استخبارات خارجی به پیشانی مخالف سیاسی به حربه معمول مناقشات سیاسی در میان افغانان بدل شده است. ازین حربه وقتی استفاده سوء میشود که منقد در برابر مخالف احساس کمبودی و ذلت اخلاقی کند و برای دریافت دلیل در دفاع از خود بیچاره و در بچال شود.

قابل ذکر است که اگر آی اس آی به قیاس سایت آریانا در موضع مثبت خلاف آنچه تا حال به مشاهده رسیده است در دفاع حق زندگی و امنیت شهدای ارغنداب صدا بلند کند، وی را باید صد بار به مقایسه افغان گمراه و ضمیر باخته ایکه از جنایت مشهود سرسری میگذرد کریدت داد.

دفاع از محتویات مضمون تره کی به سایت آریانا کریدت سیاسی قرار گرفتن در یک موضع ملی ( آنچه به آن اشد ضرورت دارد ) میداد نه متهم شدن سایت به وابستگی به آی اس آی. با تأسف که ازین چانس استفاده نشد.

به همه معلوم است که موضع سایت آریانا افغانستان در مخالفت با مقاومت مسلح متأثر از موضع امریکا و متحدین است. این را نویسنده با منافع افغانستان در تقابل میبیند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

طالب یک سوته بر فرق متجاوز خارجی است. در شرایط جنگ این مهم نیست که سوته در دست کیست. مهم اینست که میباید در مرحله گذار از جنگ به صلح « سوته بدستان » خارجی را کنار زد. درین رابطه مذاکرات صلح دوحه بزرگ ترین و تاریخی ترین آزمونگاه در برابر ما است. فقط با استقرار یک حکومت ملی و انتقالی متعهد به دفاع منافع افغانستان میتوان از معرکه، از آفت سوته بازی ها کامیاب بیرون شد.

به باور من دفاع از مقاومت مسلح طالب در شرایطی که افغانستان اشغال است و قوای خارجی خود را ملزم به رعایت هیچ قاعده اخلاقی و حقوقی در برابر مردم افغانستان نمیداند، یک ضرورت است. اما این دفاع مشروط است نه قاطع و بلا شرط: اگر بعد از پایان جنگ طالب محموله نفوذ کشور یا کشور های همسایه ثابت شد و افغانستان را از یک متجاوز آزاد و در زیر سلطه متجاوز دیگر قرار داد، حمایت از وی سلب میشود. درین حال مردمیکه در جنگ در عقب طالب قرا داشتند از وی رو میگردانند.

۲- در اعلامیه آریانا - افغانستان آمده است: « قدرت بزرگ نظامی و اقتصادی جهان-امریکا، طالبان را امتیازات سیاسی بخشیده و خواسته هایش را بر حکومت افغانستان تحمیل کرده و آنها در جامعه درون و بیرون افغانستان هواخواهانی دارند، ولی تا حال مردم افغانستان طالبان را به حیث یک نهضت رهایی بخش ملی و اولاد صدیق این وطن نه پذیرفته اند ».

بلی! امریکا بعد از بیست سال به واقعیت وجود طالب به مثابه طرف معامله جنگ و صلح تسلیم شد، اما چون مرغ افغان یک لنگ دارد وی در موقف دو دهه قبل خود چون سنگ ثابت باقی ماند. این را میگویند سرتنبگی و لجاجت یعنی بیماری کودکی و عدم بلوغ سیاسی.

اینکه به زعم سایت آریانا - افغانستان مردم وجود طالب را نمی پذیرد قضاوت بی جا و آکنده از تلقینات و تبلیغات بیرونی است. معتقدات مذهبی و ملی، مجموع مردم افغانستان را با طالبان پیوند میدهد. طالبان علی الرغم بمباردمان ها و کشتار جمعی توانسته اند به حمایت مردم در بیش از نیمی از قلمرو افغانستان کنترل قایم کنند. نیم دیگر افغانستان به این دلیل بیرون از نفوذ طالبان قرار دارد که دران قوای خارجی در شراکت و ائتلاف با جنگ سالاران داخلی حاکم استند. چاپ انداز دوستم و سائر گروه های جنگی در یک معامله مبتنی بر منفعت متقابل با قوای خارجی مردم مقیم در ساحات تحت کنترل حکومت را به گروگان گرفته اند.

تصور من اینست که مردم در مجموع طالب را به عنوان مدافع ارزش های ملی ( به شرط دفع نفوذ احتمالی پاکستان ) و مذهبی میپذیرند. استقبال مردم از طالب به موازات نفرت از جنگ سالاران و حامیان خارجی شان یک واقعیت است. اما اینهم واقعیت است که مردم افغانستان آمادگی ذهنی و روانی برای بازگشت به امارت اسلامی و نظام طالبی ندارند. کشور های دور و نزدیک دخیل در قضیه افغانستان نیز دست اندر کار مهار کردن طالبان در ادعای احیای نظام بیست سال قبل طالبان اند.

افغانستان چهل سال جنگ میان سنت و مدرنیته را از سر گذشتاند. با تأسف که درین مقطع زمانی بخشی از ضابطه های مدرنیته با تهاجم خارجی وارد شد و در تقابل با جذبات آزادیخواهی قرار گرفت. به آن به مثابه یک امتعه تحمیل شده خارجی از راه جنگ نگاه شد.

با اینهمه مدرنیته در درون شهر ها در باور ها و معتقدات مردم ریشه های ضعیفی دوانده است. ازین ریشه ها باید با احتیاط و دقت مواظبت کرد. این نه به خاطر نفس تجدد، بلکه از لحاظ داشتن پیوند سازنده و بارور با جهان متمدن.

« پایان »

---

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ